

کارگران جهان متحد شوید!

کمونیستها

چه میگویند؟!!

(رزمندگان آزادی طبقه کارگر)

شهریور ۱۳۵۸

دیجیتال کننده: نینا پویان

دوستان کارگر :

بعد از سرنگونی رژیم شاه، تبلیغات عظیم ضد کمونیستی همه جای کشور را فرا گرفت و دستگای تبلیغاتی چپ و راست و اینجا و آنجا شروع کردند به کمونیستها بد و بیراه گفتن و اینکه کمونیستها فلان و بهما هستند . خائن و اجنبی پرست هستند و می خواهند زنان را اشتراکی کنند . نوکر شوروی هستند . اخلال گرو ضد دین هستند . این تبلیغات چنان وسیع است که بعضی از کارگران و بسیاری از مردم، مخالف کمونیست ها شده اند بدون اینکه واقعا بدانند، کمونیستها کی هستند و چه میگویند . شناخت و آشنایی بیشتر کارگران و مردم از کمونیسم و کمونیستها از قول و زبان و نوشته های دشمنان کمونیستهاست نه از روی فعالیت ها، اعمال، گفته ها و نوشته های خود کمونیستها . ما در این نوشته سعی میکنیم خیلی خلاصه، نظرات هدفها و اصول اعتقادی خودمان را بگوئیم، تا از زبان خود کمونیست ها نظراتشان را بشنوید .

بخش اول

کمونیسم چیست ؟

هنگامیکه به اجتماع دور ویرمان نظر می افکنیم، درنگاه اول عجیب به نظر میرسد . چگونه ممکن است در یک جامعه تا این اندازه اختلاف وجود داشته باشد ؟ گوئی جامعه به دو دنیای مختلف تقسیم شده: دنیای ناز و نعمت و رفاه و ثروت و دنیای فقر و رنج و درد و محرومیت . یک عده کمی در ناز و نعمت زندگی میکنند و از بهترین وسایل و امکانات بهره مند هستند . یک عده عظیم مردم در فقر و محرومیت و رنج به سر می برند .

سراغ دنیای ناز و نعمت و ثروت می روم : اینجا شمال شهر است . خانه های چند هزارمتری در کنار هم قرار دارند . خیابانها ساکت و تمیز است از دود و گرد و خاک خبری نیست . در این دنیا سرمایه داران ، مدیران عالی رتبه دولتی ، وزیران و تیمسارها و بازاریان پولدار زندگی میکنند . بعد از انقلاب پای بعضی از روحانیون هم به اینجا باز شده است . سراغ یکی از این خانه ها می روم : صاحب خانه سرمایه دار است . خانه اش ۲۰۰۰ متری است . حیاط . خانه با انواع درخت و گل پوشیده شده . یک استخر بزرگ و سبزه باغ قرار دارد . ۵ ماشین آخرین سیستم آمریکائی در باغ خانه پارک شده ، ساختمان خانه با بهترین مصالح و انواع گچ کا-

رہا زینت داده شده است . دستگاہ تہویہ مطبوعہ ،
درجہ حرارت ساختمان را مطابق میل جناب سرمایہ دار
و خانوادہ اش نگاہ میدارد . در زمستان گرم است و در
تابستان خنک . بہ درودیوار اطاقہا تابلوہای نقاشی
چندین ہزار تومانی آویزان است . کف اطاقہا از فرشہای
گران قیمت پوشیدہ شدہ جناب سرمایہ دار ساعت ۹ از
خواب بیدار میشود و صبحانہ مقوی نوش جان میکند .
لباس ہایش را کہ دوخت اروپا و آمریکا است می پوشد و
سوار ماشین آخرین سیستم میشود ، تا بہ محل کارش
برود . معمولا محل کار جناب دفتر مرکزی کارخانہ است کہ
از نظر آسایش و وسایل راحتی دست کمی از خانہ اش
ندارد . مدیران و مہندسان گزارش پیشرفت کار ما را بہ او
میدہند . چند چک و نامہ را امضاء میکند . بہ چند
نفر تلفن میکند . و برای سرگرمی و رفع خستگی! با منشی اش
گپی و لاسی میزند . گاہی وقتہا ہم بہ کارخانہ سری
میزند . البتہ در کارخانہ دفتر کاری دارد کہ مثل همان
دفتر کارش در دفتر مرکزی کارخانہ است . از اوضاع کارخانہ
وضع تولید با خبر می شود و دستوراتی میدہد . گاہی
وقتہا ہم برای فریب دادن کارگران سری بہ کارگاہہا
میزند . ممکن است جلساتی ہم با سرمایہ داران دیگر
داختہ باشد . خلاصہ تمام کار و زحمت جناب سرمایہ دار
ہمین است . ہمہ چیز مطابق میلش پیش میرود : کارگران

برایش کاری کند، مهندسان و مدیران، کارخانه را اداره میکنند، بانکها مقدار پول نقد و بدهکاری و بستانکاری او را حساب میکنند، دولت از او حمایت میکند و کارشناسانش حساب سرمایه گذاری و سودهای او را تنظیم میکنند .

خانم جناب سرمایه داره لنگ ظهر، سرمست و خماری از عیش و نوش شب قبل از خواب بیدار میشود. آشپزخانه صبحانه کامل و مقوی برای خانم درست کرده، خانم صبحانه را میل میکند . بعد لباسهای خود را که در خیاطخانه های پاریس لندن و رم و یا گرانترین خیاطی های تهران دوخته شده می پوشد. و سوار ماشین آخرین سیستم آمریکائی خود میشود و برای خرید جدیدترین لوازم آرایش و مدل های لباس اروپائی، به بوتیک ها و فروشگاه های شمال شهر سری می زند . البته خانم به خرید میوه و گوشت و سایر مواد مورد احتیاج خانه کاری ندارد . چرا که، کلفت و نوکرها این کار را می کنند . بعد به خانه سایر دوستانش سری میزند و قرار مجلس بنم و عیاشی و عیش و نوش شب را میگذارد.

بچه های جناب سرمایه دار : بچه های جناب سرمایه دار از همه گونه امکانات رفاهی برخوردارند . معمولاً جناب سرمایه دار آنها را برای تحصیل به اروپا و آمریکا میفرستد و سالانه صدها هزار تومان خرج تحصیل آنها میکند . اگر هم فرزندانش را به خارج نفرستد، فرزندانش جناب سرمایه دار در بهترین مدارس ایران و زیر نظر بهترین

معلمان ایرانی و خارجی درس میخوانند . مدرسه بچه پولدارها در زمستانها گرم و در تابستانها خنک است و دارای انواع درخت، گل، استخر و سایر وسایل است . بچه سرمایه دار صبح بعد از خوردن صبحانه مقوی با راننده مخصوص و یا ماشین آخرین مدل به مدرسه میرود و ظهر هم با راننده و ماشین به خانه بر میگردد . اگر به سن بلوغ رسیده باشد، عصرها همراه با دوستان دختر و پسر خود به عیاشی و خوشگذرانی و هزار کثافت کاری میپردازد و اگر به سن بلوغ نرسیده باشد، به ورزش تیس و شننا و انواع دیگر تفریحا مشغول میشود .

جناب سرمایه دار و خانمش تا وقتی که کارباره ها و سایر مراکز عیاشی باز بود، اکثر شبها را در این جور جاها میگذراندند . حالکه به ظاهر این مراکز تعطیل شده، آنها این گونه مجالس خوشگذرانی و عیاشی را از کارباره ها به خانه های خودشان انتقال داده اند . آقا و خانم و فرزندان، معمولاً دو سه ماهی از فصل گرما را برای تفریح به کنار دریا در اروپا و آمریکا میروند . در فصل زمستان هم برای تفریح و اسکی بازی به سوئیس، فرانسه و ایتالیا سر میزنند .

خانواده جناب سرمایه دار، در سال چند بار در بهترین بیمارستانها معاینه میشوند، تا اگر احیاناً کوچکترین مرض داشته باشند، معالجه شوند . ضمن اینکه پزشک خانوادگی

آنها همیشه مراقب سلامتی آنها هست .

جناب سرمایه دار با تمام زندگی پرخرجی که دارد هر روز و هر ماه و هر سال باز بر ثروت و سرمایه اش اضافه میشود . و به ارقام حساب بانکی او هر سال يك صفر و دو صفر اضافه میشود . در واقع میلیونها به میلیارد ها تبدیل میشوند . جناب سرمایه دار در زندگی اگر هم مشکلی برایش پیش بیاید مثلاً کارگری با او دعوا کند و یا کارگران اعتصاب کنند، یا جنس هایش از خارج بموقع نرسند، یا يك تلفن که به وزارت کار یا اداره گمرک یا شهرداری یا اخیراً کمیته ها میکند، بسرعت کارهای او راه میافتند .

حال از دنیای ناز و نعمت و ثروت به سمت دنیای فقر و

محرومیت حرکت میکنیم :

بین این دو دنیا، دنیای میانه ای است که نه ناز و نعمت و ثروت دنیای اول را دارد و نه فقر و بدبختی و محرومیت و رنج دنیای دوم را . این دنیای مردمان متوسط است دنیای کارکنان، معلمان، مغازه داران بزرگ . از این دنیا میگذریم . به جنوب شهر میرسیم . اینجا ، دنیای فقر و رنج و بیماری و محرومیت است اینجا جنوب شهر است این دنیا از منطقه افسریه تا شوش و دروازه غار، از خزانه تا نازی آباد یا خچی آباد و علی آباد، از جوادیه و فلاح و امام زاده حسن تا جاده ساوه، از نعمت آباد و چهار دانگه تا شاد شهر و باغ فیض در جاده ساوه، تا حسینی و فردوس و شاد آباد امتداد

دارد . بعضی از این مناطق در داخل محدوده قرار دارند و بعضی در خارج از محدوده . خانه های داخل محدوده معمولا ۶۰ متری و حداکثر ۱۲۰ متری هستند و در طبقه که غیر از صاحب خانه یکی دو مستأجر هم دارند . در خارج از محدوده بیشتر خانه ها یک طبقه و ۶۰ متری است . این مناطق یا آب ندارند یا برق یا هردو . از پارک و خیابانهای اسفالت و بیمارستان و سایر وسایل رفاهی هم خبری نیست . تعداد افرادی که در یک کوچه زندگی میکنند ، تقریبا از تعداد کسانی که در تمام منطقه نیاوران شمیران زندگی میکنند بیشتر است . در حالی که هزینه و خرج زندگی یک خانواده در منطقه نیاوران به اندازه هزینه و خرج صدها خانواده ای است که در جوادیه و سایر مناطق دنیای فقر و محرومیت زندگی میکنند . سراغ یکی از خانه های توی دنیای فقر و محرومیت و رنج و بدبختی میروم : دو خانواده در آن زندگی میکنند . صاحب خانه دکاندار است و همسایه او کارگر کارخانه سیتروئن است و در قسمت رنگ کارخانه کار میکند . با زن و دو بچه در یک اتاق ۳ × ۴ زندگی میکند . پانصد تومان کرایه میدهد و ۱۶۵۰ تومان حقوق میگیرد . حق مسکن و خوابار به اندازه حق بیمه است که از حقوقش کم میشود . در نتیجه درآمد او همان ۱۶۵۰ تومان است . صبح ساعت ۵/۵ در حالی که خستگی سالها کار و زحمت و رنج و بدبختی

برتنش باقی مانده با عجله و خواب آلود لباس میپوشد. يك
ربع پیاده روی میکند تا به سر ایستگاه برسد و ۱۰ دقیقه
یا يك ربع هم صبر میکند تا سرویس برسد. سوار سرویس
میشود. و خیلی زود چرتش میگیرد و میخوابد. نزدیک
کارخانه از خواب بیدار شده و وارد کارخانه میشود. کارت
ساعت میزند و لباس کار میپوشد. در عرض یک ربع هـول
هولکی نان و پنیر یا نان و کره ای میخورد و سرکارش میرود
و بعدش هم کار و کار و کار... محیط کارش گرم و پسر از
دود است. بوی رنگ و تینر سرش را میبرد. تا ظهر يك
ضرب ماشین ژبان و زنون وارد اطاق رنگ میشود و او و سایر
همکارانش باید آنرا رنگ بزنند. ساعت ۱۲ نهار میخورد
و مجدداً بکار میپردازد. در گرما و بوی رنگ و تینر
و قیر و دود. بعد از ۹ ساعت سوت کارخانه به صدا
در میآید. ولی حقوق او آنقدر کم است که کفاف خرج
خانواده را نمیدهد و مجبور است اضافه کاری کند. در
هفته چند روز اضافه کاری میکند.

عصر خسته و کوفته، سوار سرویس میشود و از شدت
خستگی در سرویس خوابش میبرد. سر ایستگاه پیاده میشود.
خدا کند که زن و بچه هایش مریض نباشند و یا بساد رو
همسایه دعوانکرده باشند و گرنه در خانه هم باز باید
غذای بکشد. تنش خسته و کوفته است و حال و حوصله
ندارد. شب غذای میخورد و به خواب میرود تا دوباره

برای کار فردا آماده شود. و اما خانم خانه و زن او معمولاً صبح زود بیدار میشود و به صبحانه درست کردن و بعد نهار درست کردن و لباس شستن می پردازد. برای خرید اجناس مورد احتیاج خانه به بازار می رود. برای خریدن سبزی و چیزهای دیگر، کلی با دکانداران چانه میزند، تا شاید کمی ارزانتر جنس ها را بخرد. با دروهمسایه هم از مسائل مختلف صحبت میکند. و بعضی روزها هم به روضه خوانی می رود.

اگر فرزندان کارگر به سن مدرسه رسیده باشند، با هزار بدبختی اسمشان را برای تحصیل مینویسند. تا چند ماه از کتاب و معلم خبری نیست. در کلاسها، از ۹۰ تا ۱۰۰ شاگردگوش تا گوش مینشینند و جای نفس کشیدن نمی ماند. معلمان هم چون از وضعیتشان راضی نیستند، بیشتر وقتها علاقه زیادی به کارشان نشان نمی دهند. در زمستان کلاسها سرد است و در تابستان گرم. از وسایل رفاهی و ورزشی در مدرسه خبری نیست تازه وقتی بچه ها به سن ۱۴ الی ۱۵ سالگی میرسند و خرجشان زیاد میشود، پدر دیگر قادر نیست مخارج خانواده را تأمین کند و آنوقت بچه کارگر باید درس و مشق و مدرسه را رها کند و دنبال کار برود.

* * *

در خانواده کارگر معمولاً دعوا و جنگ و جدال است:

بین بچه ها با پدر و مادر و بین پدر و مادر • هیچ
کدامشان هم تقصیر ندارند • بچه ها که نمی دانند
پدرشان همین چند ریاز پول را هم با چه سختی و جان
کندنی در می آورد، لباس و کفش نومی خواهند • پول توجیبی
میخواهند • میوه و چیزهای دیگری میخواهند • پدر هم که
نمی تواند جواب بچه ها را بدهد، در حالی که دلش خون
است و به این زندگی لعنتی فحش میدهد، جز دعوا و کتک
زدن بچه ها چاره ای ندارد • سرکوچکترین مسئله ای بین
زن و شوهر و بچه ها دعوا راه می افتد •

و اینست زندگی در دنیای فقر و بدبختی و رنج و محرومیت
در تمام شهرهای ایران از کرج تا قزوین و همسایگان و
کردستان، از خوزستان تا شیراز و کرمان و بلوچستان
از گیلان و مازنداران تا آذربایجان، در تمام کشور و در
سراسر جهان سرمایه داری، این دو دنیا وجود دارند •
دنیای ناز و نعمت و ثروت و دنیای فقر و محرومیت • راستی
چرا چنین است؟

چرا عده ای مفت خور در ناز و نعمت زندگی کنند و در
سایه بهره کشی از کارگران و زحمتکشان زندگی را برای
خودشان به بهشت تبدیل سازند • ولی اکثریت عظیمی
از مردم در فقر و بدبختی و زندگی جهنمی گذران کنند؟
دلیل آن چیست؟

برای اینکه آن عده مفت خور، صاحب قدرت و دولت

و حکومت هستند . برای اینکه عده ای سرمایه دار و وکیل
و وزیر و مدیر دولتی و غیر دولتی و تاجرهای بزرگ با زار
با در اختیار گرفتن حکومت و با غارت و چپاول دسترنج
کارگران و سایر زحمتکشان و فروش منابع ملی میهن، برای
خودشان دنیای ناز و نعمت و ثروت را درست کرده اند و
بهشت را روی زمین برای خودشان بوجود آورده اند و با
غارت دسترنج کارگران و رنجبران آنها را به فقر و محرومیت
و رنج کشیدن محکم کرده و زندگی را بر آنها به جهنم
سوزان تبدیل نموده اند .

* * *

در شهر بیشتر می گردیم : فاحشه گری و خود فروشی
زنان فاحشه بیداد میکند . ریشه این فساد و خود فروشی
زنان چیست ؟ اگر پای صحبت آنان بنشیننی خواهند گفت :
" شوهرم حقوقش کم بود و کفاف خرج و خانه را نمی داد و
من نمی توانستم با آن درآمد زندگی کم " یا " شوهرم
بیکار شد و ما منبع درآمدی نداشتیم به این کثافت کشیده
شدم " یا " شوهرم معتاد شد " یا " بچه بودم از دنیا
هیچ چیزی نمی دانستم تا منو شوهر دادند از شوهرم
راضی نبودم ، عاشق یک مرد عیاش شدم و او مرا فریب داد
و به اینجا کشانده شدم " یا " دختری بودم که پدرم
فقر بود ، من لباس میخواستم هزار چیز میخواستم عاشق یک
جوان شدم او اول میگفت میگیرمت ، بعد که به کام دلش

رسید و منو حمله کرد منو گذاشت و فرار کرد و من
مجبور شدم به این کار رو آورم و چرا باید فقر و تنگدستی
زنان را به فاحشه شدن بکشاند؟

علت آن چیست؟ نظام فاسد و ستمکار و چپاول گر
سرمایه داری است که زحمتکشان را به فقر و بدبختی
میکشاند و زنان و دختران را فاحشه میکند. این نظام
فاسد سرمایه داری است که جوانان ما را به جای رفتن
دنبال کار سازنده، به هرزگرایی، عیاشی و فریب دادن زنان
شوهر دار و دختران میکشاند.

* * *

باز در شهر می گردیم: اینجا و آنجا به جوانان
معتاد با هروئین، حشیش و قرص برمیخوریم. چرا این
جوانان به این مواد مخدر روی میآورند؟ این نظام
فاسد و ستمکار و چپاولگر سرمایه داری است که شرایطی
فراهم میکند تا جوانان ما به مواد مخدر رو آورند.

باز در شهر میگردیم: دزدی و دزد فراوان است.
چه چیزی مردم را به دزد شدن میکشاند فقر و بدبختی
و تنگدستی. و ریشه آن هم باز نظام فاسد و ستمکار
و چپاولگر سرمایه دار است.

بیشتر می گردیم: تعداد گداها فراوان است. چرا
گدا پیدا میشود؟ کسانی که گدائی میکنند یا فلج و کور
و ناقص هستند و نمی توانند کار کنند یا سالم هستند و

از زور بیکاری و فقر و نداری به گدائی روی می آورند، یا
آدمهای مفت خوری هستند که میخواهند از راه گدائی
زندگی کنند. ریشه تمام اینها نظام فاسد و ستمکار
چپاول گر سرمایه داری است. ممکن است پرسید این
چه ربطی به نظام سرمایه داری دارد؟ راستی چرا؟
برای اینکه این سرمایه دار است که فقرا بوجود می آورد
و فقر خود، ما در تمام درد هاست بقول شاعر آ زاده عشقی،
" مادر هر درد و سختی احتیاج است احتیاج". در جامعه
سرمایه داری همیشه يك عده کارگرند و یکمشت سرمایه دار.
اولی ها کار میکنند و دومی ها سود میبرند. فقر و گرفتاری
نصیب اولی ها و خوشی و سعادت نصیب دومی ها است.
وقتی پدر و مادری از صبح تا شب گرفتار کار کردن و تأمین
مخارج زندگی و کرایه خانه و غیره باشند و تازه نتوانند آنها
تأمین کنند، وقتی نتوانند امکانات مساعدی برای
تحصیل فرزندان خود فراهم کنند و بخصوص وقتی
خودشان هم بیسواد یا کم سواد باشند، مسلم است که در
چنین شرایطی فرزندان آنها هم نمی توانند آموزش
درستی ببینند و در نتیجه در معرض همه گونه خطری
قرار میگیرند. فشار کار و زندگی آنها را بهر کاری
میکشاند. بیسوادی و نداشتن معلومات هم باین امر
کمک میکند. در این دنیا هیچکس ذاتاً بد بدنیا
نمی آید. هیچکس دزد و گدا و فاحشه و معتاد از شکم

مادر متولد نمی شود. این محیط و شرایط زندگی است که
 انسانها را به بدبختی و فساد میکشاند. يك نوزاد زمانی
 که دنیا می آید سرنوشتش در درجه اول بستگی به این
 دارد که پدرش جزو کدام طبقه است. اگر در خانواده ای
 فقیر و محروم متولد شود محرومیت و کار طاقت فرسا و سختی
 در انتظار اوست و در صورتیکه در يك خانواده پولدار
 و ثروتمند زاییده شود، ناز و نعمت و آسایش جهان انتظارش
 را می کشند. بهمین علت است که نظام سرمایه داری در
 تمام کشورهای سرمایه داری از يك طرف دنیا فقر و محرو-
 میت و از طرفی دیگر دنیا ناز و نعمت بوجود می آورد و
 باعث نابرابری بین انسانها میگردد و به همین دلیل
 همیشه مورد نفرت ستمدیدگان دنیا قرار گرفته است.

* * *

آیا نمی شود جامعه ای ساخت که در آن يك دنیا
 بیشتر نباشد؟ آیا نمی شود جامعه ای بوجود آورد که در
 آن عده ای مفت خور نباشند که دسترنج کارگران و
 زحمتکشان را غارت کنند؟ آیا نمی شود جامعه ای
 بوجود آورد که در آن از فحشاء، فساد، دزدی و گدائی
 خبری نباشد؟ آیا نمی شود جامعه ای بوجود آورد که
 در آن برابری و برادری واقعی برقرار باشد؟ آیا همیشه
 باید زحمتکشان و رنجبران کار کنند و زحمت بکشند و لی
 دسترنج آنها را عده ای مفت خود غارت کنند؟

اینها سؤالاتی است که همیشه زحمتکشان جامعه از خود و دیگران کرده اند .

در هزاران سال پیش که جامعه برده داری بود دنیای ناز و نعمت و ثروت و دنیای فقر و محرومیت وجود داشت . دنیای برده ها و دنیای برده داران . مبارزها شد و قیامها و انقلابهای زیادی صورت گرفت . برده تبدیل به رعیت شد و برده دار تبدیل به فئودال و ارباب و خان، ولی باز دودنیا در کنار هم وجود داشتند . دنیای رعیت ها یعنی فقر و رنج و محرومیت و دنیای فئودالها و خانها یعنی دنیای ناز و نعمت و ثروت . جامعه تکامل پیدا کرد و صنعتی شد . کارخانه ها بوجود آمدند . رعیت تبدیل به کارگر شد و خان و فئودال و ثروتمندان سرمایه دار شدند . ولی همچنان دنیای فقر و محرومیت و ناز و نعمت در کنار هم زندگی را ادامه دادند . در اروپا که سرمایه داری اول بار در آنجا رشد کرد و بوجود آمد ظلم و ستم و فقر و محرومیت کارگران و رنجبران حد و مرزی نداشت سرمایه داران با حرص و ولع شدیدی از کارگران کار میکشیدند و حقوق ناچیزی به کارگران میدادند و مبارزات کارگران کم کم شکل گرفت . کارگران آگاه و روشنفکران انقلابی به فکر راه نجات افتادند .

مارکسیکی از روشنفکران انقلابی آلمان بود که

بعداً رهبر و آموزگار بزرگ طبقه کارگر گردید . مارکس شروع به مطالعه و تحقیق در مورد جامعه سرمایه داری کرد . تکامل آنرا بررسی کرد . از برده داری تا فئودالی و سرمایه داری ، مبارزات توده ها را تجزیه و تحلیل کرد . مبارزات کارگران اروپا ، شکست و پیروزیهای آنها را بررسی کرد . و عاقبت راه رسیدن به جامعه بدون طبقه ای را که همیشه زحمتکشان جامعه خواهان آن بودند ، پیدا کرد . این راه سرنگون کردن نظام سرمایه داری و ایجاد نظام سوسیالیستی و بعد کمونیستی بود . از همان زمان یعنی حدود ۱۲۰ سال پیش کمونیسم پایه گذاری شد . مارکس با بررسی علمی جامعه سرمایه داری نشان داد ، که نظام سرمایه داری آخرین مرحله جامعه طبقاتی است ، جامعه ای که در آن دو دنیا وجود دارد . و بعد از آن ، جامعه به نظام بی طبقه بدل خواهد شد . و ثابت کرد که کارگرتها طبقه ایست که میتواند به کمک سایر زحمتکشان نظام سرمایه داری را سرنگون سازد و بشریت را از فساد ، ظلم و ستم و غارتگری و فحشاء نجات دهد .

بعدها لنین رهبر و آموزگار طبقه کارگر در روسیه و سراسر جهان با تکامل کمونیسم ، علم رهائی زحمتکشان را دقیق تر تهیه و تدوین کرد . از آن به بعد علم رهائی کارگران و رنجبران به مارکسیسم - لنینیسم * معروف

شد .

مارکسیسم - لنینیسم علم رهائی کارگران و زحمتکشان است . مارکسیسم - لنینیسم به کارگران راه رسیدن به جامعه بی طبقه کمونیستی را نشان میدهد . به همین دلیل است که طبقه کارگر برای اینکه بتواند سرمایه داری را نابود کند باید به علم و اندیشه کمونیستی مجهز باشد .

* * *

هدف نهایی کمونیستها چیست ؟ هدف نهایی کمونیست ها برقراری يك جامعه کمونیستی بی طبقه است . در جامعه کمونیستی سرمایه داران و مفت خوران وجود ندارند . و جامعه از شر وحشیگریها ، پلیدیها ، فساد و استثمار سرمایه داری خلاص شده است . در جامعه کمونیستی طبقات از بین رفته اند . دیگر نه بهره کش وجود دارد و نه بهره دکنه سرمایه دار وجود دارد نه کارگر ، نه ظالم وجود دارد و نه مظلوم . در جامعه کمونیستی دیگر محصول دسترنج کارگران و زحمتکشان بوسیله مفتی سرمایه دار مفت خور غارت نمیشود . چرا که اصلاً سرمایه داری وجود ندارد . در جامعه کمونیستی تمام

* - کلمه مارکسیسم از اسم مارکس و کلمه لنینیسم از اسم لنین درست شده و به معنی آنچه که مارکس و لنین عرضه کرده اند میباشد .

نابرابری هایی که در جوامع کمونی وجود دارد از بین
می‌رود و برابری واقعی از هر نظر در جامعه برقرار
میشود. در جامعه کمونیستی این اصل حاکم است: "از هر
کس طبق استعدادش، به هر کس طبق نیازش" یعنی
در جامعه کمونیستی، هر کس بر اساس استعداد و توانایی
خود کار میکند و به اندازه نیاز و احتیاجش از محصولات
جامعه بهره‌مند میگردد.

سرمایه داران و مفت خوران جامعه و کسانی که از
طریق بهره‌کشی و غارت دسترنج کارگران و زحمتکشان
زندگی میکنند برای کوبیدن کمونیستها و کمونیسم، برای
سروش‌گذاشتن روی زندگی انگل و ارخود، برای اینکه
بتوانند همچنان به غارت و چپاول و بهره‌کشی کارگران
ادامه دهند، تبلیغ میکنند که کمونیستها خیال باف هستند.
جامعه کمونیستی يك جامعه خیالی است، مادرجواب
تبلیغ فریب کارانه سرمایه داران و جیره خواران آنها
میگوئیم: کمونیستها به هیچ وجه خیال باف نیستند. کمو-
نیستها میدانند که برای رسیدن به يك جامعه کمونیستی
راهی سخت و طولانی و مبارزه‌ای عظیم و خونین در
پیش دارند. حتی ممکن است از نظر خیلی از کارگران
و زحمتکشان هم، رسیدن به جامعه کمونیستی يك خواب
و خیال بیشتر نباشد. دلیل آنها روشن است. کارگری که
در زیر بار فشار ستم و بهره‌کشی ظالمانه سرمایه داری

کمرش خم شده، کارگری که از همه طرف تحت تبلیغات
سرمایه داران و جیره خواران آنها قرار دارد، کارگری که
استثمار و بهره کشی وحشیانه سرمایه داری او را از بردا -
ختن به مسائل اجتماعی - سیاسی و علم و دانش باز
میدارد کارگری که با تبلیغات عظیم سرمایه داران، نظام
ظالمانه سرمایه داری را همیشگی میداند، کارگری که
دلیل بدبختی و فقر خود را نمی داند، کارگری که راه
نابود کردن آن عواملی که او را به فقر و بدبختی و استثمار
شدن میکشانند نمی داند، بلکه این چنین کارگری ممکن
است بگوید يك جامعه کمونیستی تنها در خواب و خیال
امکان پذیر است . ولی ما کمونیستها نه خودمان خوش
خیال و خیال باف هستیم و نه کارگران را به خوش خیالی
و عالم هپروت میکشانیم . ما ضمن اینکه هدف نهایی
یعنی رسیدن به جامعه کمونیستی را می گوئیم، راه رسیدن
آنها هم خواهیم گفت و همیشه برای رسیدن به آن مبارزه
کرده ایم و مبارزه خواهیم کرد . و به کارگران و زحمتکشان
قدم به قدم راه رسیدن به جامعه بی طبقه را نشان
خواهیم داد . ما به کارگران میگوئیم که راه رسیدن به يك
جامعه بی طبقه که در آن از ظلم و استثمار خبری نباشد
راهی است طولانی و پریچ و خم و با مبارزه ای سخت
و خونین بدست می آید و مسلم است که سازندگان جامعه
کمونیستی کارگرانی با آگاهی و خصوصیات کنونی نیستند، بلکه

طبقه کارگری است که در مرحله قبل از جامعه کمونیستی
 رشد و آگاهی لازم را پیدا کرده و به انسانی با خصوصیات
 نوین انقلابی تبدیل میشود .
 ما از مرحله قبل از جامعه کمونیستی صحبت کردیم .
 این را کمی بیشتر توضیح دهیم . بین سرنگونی نظام
 سرمایه داری تا برقراری نظام بی طبقه کمونیستی يك
 مرحله وجود دارد که به آن مرحله اول جامعه کمونیستی
 یا جامعه سوسیالیستی میگوئیم . طبقه کارگر به کمک
 سایر زحمتکشان حکومت سرمایه داران را سرنگون میکند و
 دولت و ارتش سرمایه داران را درهم میشکند و دولت
 و ارتشی کارگری را بنیان گذاری میکند . ولی آیا با
 سرنگونی نظام سرمایه داری ، قدرت سرمایه داران کاملاً از
 بین میرود ؟ مسلم است که خیر . سرمایه داران بعد از
 سرنگون شدن ، برای بازگرداندن بهشت از دست رفته شان
 مبارزه شدیدی را بر علیه کارگران شروع میکنند و به هر
 وسیله ای متوسل میشوند تا دوباره قدرت و حکومت را به
 چنگ آورند . در این راه سرمایه داران بین المللی
 یعنی امپریالیستها به آنها کمک میکنند . سرمایه داران
 بعد از از دست دادن قدرتشان ، برای درهم کوبیدن
 حکومت کارگران و زحمتکشان ، توطئه میکنند و در کارها
 اخلاص بوجود میآورند . به همین دلیل طبقه کارگر بعد
 از سرنگونی دولت و حکومت سرمایه داری ، باید دولت

و حکومت خود ش را بوجود آورد . این دولت که کارگران
بوجود می آورند چگونه دولتی است ؟
دولت همیشه وسیله و ابزار سرکوب یک طبقه علیه طبقه
دیگر است . در شرایطی که سرمایه داری بر جامعه
حاکم باشد ، دولت وسیله و ابزار اعمال دیکتاتوری سرمایه
داران و سرکوب کارگران و زحمتکشان است . چون
سرمایه دار برای آنکه بتواند از کارگران و زحمتکشان
استفاده کند ، دولت ، ارتش و پلیس بسازد تا اینها
از منافع او دفاع کنند و دیکتاتوری سرمایه داران را اعمال
نمایند . بعد از سرنگونی دولت سرمایه داران نیزه دولت
وسیله ای است که طبقه کارگر و زحمتکشان آن را برای
سرکوب سرمایه داران و مقاومت ضد انقلابی آنان بکار
میگیرند . دولت طبقه کارگر هم ، ارتش و پلیس و نیروهای
انتظامی دارد که این نیروها از منافع اکثریت مردم یعنی
کارگران و زحمتکشان در مقابل اقلیت مردم یعنی سرمایه
داران و عناصر ارتجاعی دفاع میکنند . طبقه کارگر
و زحمتکشان برای درهم شکستن مقاومت ضد انقلابی
سرمایه داران و پیشبرد انقلاب به یک دولت دیکتاتوری
کارگری نیاز دارند . سرمایه داران و جیره خواران آنها
برای ترساندن مردم میگویند : اگر کمونیستها روی کار
بیایند دیکتاتوری برقرار میشود و مردم هیچ آزادی ندارند .
ما هم گفتیم بعد از سرنگونی رژیم سرمایه داری ، طبقه کارگر

باید حکومت دیکتاتوری خودش را برقرار کند . ولی این دیکتاتوری دیگر مثل دیکتاتوری سرمایه داران نیست طبقه کارگر برای خودش و سایر زحمتکشان دیکتاتوری برقرار نمی کند . بلکه چون حکومت کارگری است کارگران و زحمتکشان آزادی کامل دارند . این دیکتاتوری برای سرکوب مقاومت سرمایه داران و مزدوران آنهاست . طبقه کارگر بدون اعمال دیکتاتوری و سرکوب مقاومت ضد انقلابی سرمایه داران نمی تواند انقلاب را پیش ببرد . و به جامعه بی طبقه برسد . همچنانکه سرمایه داران برای ادامه بهره کشی خود از کارگران و زحمتکشان و سرکوب آنها به شکل دیکتاتوری حکومت میکنند ، وقتی هم کارگران و زحمتکشان حکومت را بدست بگیرند ، باید برای سرکوب کامل سرمایه داران * در حکومت کارگری ، آزادی و دموکراسی برای کارگران و زحمتکشان و دیکتاتوری برای سرمایه داران و مفت خوران است . مسلم است که وقتی مقاومت سرمایه داران درهم شکسته شود و طبقات از بین رفتند ، یعنی در جامعه کمونیستی ، دیگر نه به دولت نیاز است و نه به دیکتاتوری . چرا که دیگر طبقه وجود ندارد که لازم باشد سرکوب شود . در جامعه سوسیالیستی دسترنج کارگران و زحمتکشان را عده ای

* جا افتاده - مقاومت ضد انقلابی آنها به شکل دیکتاتوری حکومت کند .

سرمایه دار مفت خور غارت و چپاول نمی کنند . ولی
هنوز عدالت و برابری واقعی و کامل برقرار نیست . ما
گفتیم در جامعه کمونیستی این اصل اجرا میشود : " از
هر کس مطابق استعدادش ، به هر کس مطابق نیازش " ولی
در مرحله سو سیالیسم هنوز این اصل قابل اجراییست .
جامعه سوسیالیستی از دل جامعه سرمایه داری بیرون
می آید . در نتیجه بعضی از اشکالات و نا-
برابری های جامعه سرمایه داری را همراه خود دارد و
بلافاصله نمی شود این نابرابریها را از بین برد . بلکه
به مرور از بین می روند . در مرحله سو سیالیسم این
اصل حاکم است : " به هر کس مطابق کارش " یعنی هر
کسی به اندازه کاری که میکند ، از محصولات جامعه
بهره مند میگردد . اگرچه با قطع شدن دست سرمایه-
داران و از بین رفتن استثمار سرمایه داری برابری و
عدالت تا حدود زیادی برقرار میشود ولی هنوز برابری
واقعی برقرار نیست .

فرض میکنیم هم اکنون طبقه کارگر ایران به کمک سایر
زحمتکشان نظام سرمایه داری را سرنگون کند . آیا
کارگران می توانند بلافاصله برابری واقعی و کامل را
برقرار کنند ؟

آیا می توان به حسین که تراشکار درجه یک است
و قاسم که یک کارگر ساده است مزد برابر داد ؟ معلوم

است که نمی توان این کار را کرد . در مرحله سوسیالیسم
اصل " از هر کس مطابق استعدادش ، به هر کس
مطابق کارش " حاکم است و کسی که بیشتر کار کند ، مزد
بیشتری میگیرد . وقتی این اصل حاکم باشد برابری
واقعی هنوز وجود ندارد . نصرالله که زن و ۵ بچه
دارد با کاظم که مجرد است و هر دو پرس کار هستند ،
کار مساوی انجام می دهند ، در نتیجه مزد مساوی میگیرند .
آیا این عدالت است ؟ آیا میتوان گفت که نصرالله
و کاظم با هم برابر هستند ؟ معلم است که نه . بعضی
از نابرابری ها که منشاء آن از سرمایه داریست درجا -
معه سوسیالیستی باقی می ماند و به مرور از بین میروند .
بعد از اینکه زمینه برابری واقعی و کامل بوجود آمد ،
آنوقت است که به جامعه کمونیستی میرسیم ، آنوقت است که
هر کس مطابق استعداد و توانائیش کار میکند و به
اندازه نیازش از محصولات جامعه بهره مند میگردد .
آنوقت است که نصرالله با زن و ۵ فرزندش به اندازه نیاز
خود و خانواده اش دریافت میکند و کاظم هم به اندازه
نیاز و احتیاجش وقتی که طبقه کارگر ریشه تمام نابرابری
ها را خشک کرد آنوقت برابری واقعی در جامعه برقرار
میشود .

طبقه کارگر در این مرحله ضمن اینکه جامعه را به
شکل انقلابی تغییر میدهد ، خودش هم تغییر انقلابی
میکند و به یک طبقه نوینی تبدیل میشود . نباید تصور

کیم آن طبقه کارگری که جامعه کمونیستی را برقرار میکند
همین طبقه کارگر کنونی با همین آگاهی و روحیه انقلابی
است. بلکه طبقه کارگری است که در طی مبارزه انقلابی، به
آگاهی انقلابی دست می یابد، رشد فکری میکند، آبدید،
میشود و در واقع یک طبقه کارگر نوین میگردد.

* * * * *

پس بطور خلاصه در مرحله سوسیالیسم حکومت
سرمایه داری سرنگون میشود و دیگر محصول دسترنج
کارگران و زحمتکشان به وسیله ممتی سرمایه دار چپاول
نمی گردد. ولی هنوز برابری واقعی برقرار نمیشود.
در مرحله سوسیالیسم اصل "از هر کس به اندازه"
استعدادش، به هر کس به اندازه کارش" اجرا میشود.
بعد از سرنگونی سرمایه داری، قدرت سرمایه داران
کاملاً از بین نمی رود و آنها برای بدست آوردن بهشت
از دست رفته شان توطئه و اخلال میکنند. طبقه کارگر
باید حکومت دیکتاتوری خودش را برای درهم شکستن
توطئه و مقاومت های ضد انقلابی سرمایه داران بوجود
آورد. طبقه کارگر در در طی
مرحله سوسیالیسم با در دست
داشتن حکومت، رشد و آگاهی خود را بالا میبرد و کارگران
تبدیل به انسانهای نوینی میشوند که جامعه کمونیستی
را بنیان گذاری میکنند.

کمونیست کیست و چه خصوصیات دارد؟
هم اکنون مادر جامعه خود می بینیم که بیشتر
کمونیست ها، روشنفکر (دانشجو مهندس و معلم) هستند.
مگر ما نمی گوئیم که کمونیسم علمی است که برای رهایی
زحمتکشان از یوغ سرمایه داری به کار می رود، پس چرا
الان بیشتر کمونیستها روشنفکر هستند؟ همانطور که
گفتیم کمونیسم یا مارکسیسم - لنینیسم یک علم است.
خوب چه کسانی در درجه اول توانایی و امکان آموختن
علم را دارند؟ معلم است کسانی که سواد داشته، وقت
و حوصله مطالعه و تحقیق داشته باشند، می توانند
هر علمی از جمله مارکسیسم - لنینیسم را یاد بگیرند،
ولی وقتی که بیشتر کارگران ما سواد ندارند و آنهایی
هم که سواد دارند سوادشان بیشتر از چند کلاس
نیست چگونه میتوانند به تنهایی مارکسیسم - لنینیسم را
یاد بگیرند و کمونیسم را بشناسند؟ وقتی که کارگری از صبح
کله سحر تا بوق سگ در کارخانه کار میکند و بعدش هم
خسته و مرده به خانه میرود و تازه هزار گرفتاری دیگر
هم دارد آیا وقت این کار را پیدا میکند؟ آیا سیستم
ظالمانه سرمایه داری اوقات فراغتی هم برای کارگران
باقی میگذارد؟ همه ما جواب این سئوالات را بخوبی
میدانیم. در یک جامعه سرمایه داری مثل ایران کارگران
و زحمتکشان امکان دسترسی به علم و دانش را خیلی کم

دارند. این دانشجویان، مهندسان، معلمان و بقیه
روشنفکران هستند که بیشتر از همه به علم و دانش دسترس
سی دارند. به همین دلیل کمونیسم یا مارکسیسم
لنینیسم اول از همه در میان روشنفکران و دانشجویان
رواج پیدا میکند. اما آیا هرکس که فقط در مورد علم
کمونیسم چند کتاب خواند و طرفدار آن شده، کمونیست
میشود؟ بنظر ما نه.

البته برای اینکه يك نفر کمونیست باشد لازم است که
این ایدئولوژی را بشناسد، ولی شناخت مارکسیسم
لنینیسم به تنهایی کافی نیست. يك کمونیست واقعی کسی
است که از آگاهی و ایدئولوژی خود در راه مبارزه برای
آزادی طبقه کارگر و سایر زحمتکشان استفاده کند. یعنی
کمونیست واقعی کسی است که در عمل کمونیست باشد نه
فقط در حرف. هرکس که چیزی از کمونیسم خوانده باشد
کمونیست نیست. آیا مهندس که ۲۰ هزار تومان در ماه
حقوق میگیرد، ماشین آخرین سیستم دارد، بهترین زندگی
را برای خودش درست کرده و به مبارزه کارگران و آگاهی
کارگران توجهی ندارد، يك کمونیست است؟ معلم است که
نه. از کمونیست بودن در حرف تا کمونیست بودن در عمل
از زمین تا آسمان فاصله است. اما آزادی طبقه کارگر*
به دست خود توده ها انجام میگیرد. در این میان وظیفه
کمونیستها این است که تمام انرژی و امکانات خوش را در

* - جا افتاده است - و زحمتکشان

اختیار مبارزه، کارگران و زحمتکشان با سرمایه داران بگذرند. زمانی که سطح آگاهی طبقه کارگر پائین است باید فعالیت آنها در این جهت باشد که آگاهی طبقاتی آنها را بالا ببرند. زمانی که مبارزات آنها بصورت پراکنده و نامنظم در جریان است، کمونیستها موظفند که با سازماندهی و رهبری این مبارزات به آنها سروسامان بدهند. اگر مبارزات طبقه کارگر و توده ها با رشد خوش به مرحله مبارزه مسلحانه رسید، کمونیستها موظفند که پیشاپیش همه پای در این مبارزه بگذارند و توده ها را برای انجام این مبارزه آماده نمایند و تشکیلات مناسب برای این مبارزه _____ را بوجود آورند و آنزمان که انقلاب به پیروزی رسید، حزب کمونیست رهبری را به دست گرفته و مبارزه خوش را برای ساختمان سوسیالیسم ادامه خواهد داد. ولی آیا این کارها از دست افراد جداگانه بر می آید؟ مسلم است که نه. کمونیستها برای اینکه بتوانند وظایف خود را در مقابل توده ها به انجام برسانند، در گروهها و سازمانهای کمونیستی دور هم جمع میشوند و مشترکاً به فعالیت میپردازند. زمانی که آنها بتوانند در میان طبقه کارگر نفوذ کرده و مبارزات آنها را هدایت کنند حزب طبقه کارگر یعنی حزب کمونیست را بوجود میآورند. حزب کمونیست از پیشروترین، فداکارترین، آگاه ترین و با انضباط ترین کارگران و روشنفکران

انقلابی بوجود می آید و رهبری مبارزات جامعه را به
عهده میگیرد. اما حالا که هنوز حزب کمونیست بوجود
نیامده است کمونیستها برای انجام وظایف خود در
گروهها و سازمانهای کمونیستی به فعالیت مشغولند.
با این حرفها خیلی از مسائل روشن میشود. مثلاً
وقتی که در میتینگ چریکهای فدائی ۱۰۰ هزار نفر
شرکت میکنند. دلیل، آن نیست که این ۱۰۰ هزار نفر
کمونیست هستند. خیلی از آنها در حرف کمونیست
هستند، خیلی ها هوادار کمونیستها هستند و خیلی ها
به سازمان چریکهای فدائی علاقه مند هستند. یک
مسئله که باعث میشود مردم، کمونیست ها و غیر کمونیستها
را با هم یکی بگیرند، سیاست و تبلیغات رژیم کنونی است.
در شرایط کنونی هر کسی که به هر دلیلی با
سیاستهای رژیم مخالف باشد، یک مارک کمونیستی میخورد.
زنانی که با حجاب مخالفند، مارک کمونیستی میخورند. شرکت
کنندگان در میتینگ جبهه دموکراتیک ملی کمونیست
هستند. کارگرانی که تحصن میکنند کمونیست هستند. کردها
کمونیست هستند. سازمان مجاهدین خلق و طرفدارانش
کمونیست هستند. خلاصه هر کسی و هر سازمانی که با
دولت و سیاستهای آن مخالف باشد، کمونیست معرفی
میشود. جبهه دموکراتیک ملی یک میتینگ در دانشگاه
گذاشته بود. عده ای تحریک شده شعار میدادند:

اسلام پیروز است، کمونیست نابود است. بیشتر مردم هم فکر میکردند، این میتینگ مال کمونیستهاست. يك کارگر باناراحتی می گفت: آخه اینها که بیشترشان شکمشان سیراست و از سروصورت و لباسشان پیدا است که تا حالا رنگ سختی و گرسنگی را ندیده اند. چطور دم از آزادی کارگر و برزگر می زنند. یارو با ماهین آخرین سیستم آمده و از حق کارگر دفاع میکند. واقعاً که این کمونیستها دروغ گو هستند. ما به این دوست کارگر و سایر کارگرانی که اینطور فکر میکنند، می گوئیم: دوستان کارگر اینها کمونیست نیستند. جبهه دموکراتیک و طرفدارانش کمونیست نیستند، بلکه اینها کسانی هستند که در چهار چوب نظام سرمایه داری آزادی و دموکراسی میخواهند. دوستان کارگر: کمونیستهای واقعی کسانی نیستند که از درد ورنج و فشار و سختی زندگی کارگران و زحمتکشان بی خبر باشند. کمونیستهای واقعی کسانی نیستند که برای خودشان زندگی راحتی بکنند و فقط بعضی وقتها در يك میتینگ شرکت کنند.

کمونیستها کسانی هستند که برای از میان برداشتن درد ورنج و فقر و ظلم و ستمی که کارگر تحمل میکند با تمام وجود مبارزه میکنند. کمونیستها کسانی هستند که برای پیوند با کارگران و زحمتکشان با آنها زندگی میکنند، سختی میکشند، به کارگران آگاهی میدهند، درمبا-

رزات کارگران شرکت میکنند و به کارگران در راه آگاه
شدن، متحد شدن، در راه رهایی از یوغ سرمایه داری
کمک میکنند. کمونیستهای واقعی کسانی جدا از کارگران
وزحمتکشان نیستند. بلکه دوش به دوش آنها در سنگر
مبارزه طبقاتی کارگران و زحمتکشان در کارخانه و مزرعه
و در همه جا برای آگاه شدن و برای رها شدن کارگران
وزحمتکشان از شر ظلم و ستم و استثمار سرمایه داری مبارزه
میکند. ممکن است بعضی از دوستان کارگرفرسان
بزنند: "پس کجا هستند این کمونیستهای واقعی چرا به
ما کمک نمی کنند؟ چرا به ما چیز یاد نمی دهند؟ چرا به ما
علم رهایی مان را یاد نمی دهند؟ چرا نمی نویسند که
در کارخانه چه ظلم و ستمی به ما می شود؟ چرا نمی-
نویسند که کمر ما در زیر بار فشار زندگی و ظلم و ستم و
بهره کشی سرمایه داران خونخوار و دولت حامی آنها
خم شده است؟ در جواب به این دوستان می گوئیم:
دوستان، اولاً: تعداد کمونیستهای واقعی خیلی کم است.
ثانیاً: دشمنان طبقه کارگر برای جلوگیری از نزدیکی بین
کمونیستها و کارگران تبلیغات عظیم و زهرآگین زیادی
بر علیه کمونیستها کرده و می کنند. و با انواع تهمت ها و
دروغ ها، سعی میکنند کمونیستها را بدنام کنند، تا صدای
کمونیستها و نوشته های آنها به کارگران نرسد و اگر هم
رسید، با تبلیغات ضد کمونیستی که میشود، کارگران

حرفها و نوشته های کمونیستها را قبول نداشته باشند. سرمایه داران و مزدوران و جیره خواران آنها تبلیغ میکنند که این کمونیستها و روشنفکران چرا دایه مهربانتر از مادر طبقه کارگر و رنجبر هستند. هدف سرمایه داران جلوگیری از آگاه شدن کارگران و جلوگیری از یاد گرفتن علم مبارزه و رهایی کارگران بوسیله خود کارگران است. در این مسئله عده ای از کارگران هم که آگاهی ندارند به سرمایه داران و مزدوران آنها کمک میکنند. همانطور که گفتیم طبقه کارگر خودش به تنهایی نمیتواند آگاهی طبقاتی و علم مبارزه را یاد بگیرد. و این روشنفکران هستند که باید این آگاهی طبقاتی و علم رهایی کارگران را به کارگران یاد بدهند. روشنفکران کمونیست با رفتن به میان کارگران و زحمتکشان، ضمن اینکه آگاهی طبقاتی کارگران را بالا میبرند علم مبارزه طبقاتی را به آنها یاد میدهند و به آنها در مبارزه علیه سرمایه داران و دولت کمک میکنند به مرور خصوصیات روشنفکرانه خود را از دست میدهند و جزئی از طبقه کارگر میشوند و واقعاً روشنفکران کمونیست، روشنفکران طبقه کارگر هستند. به همین دلیل روشنفکران کمونیست و خواستهایشان با خواسته های طبقه کارگری میشود.

دانشجویان و روشنفکران، یک قشر و طبقه را تشکیل نمی دهند. عده ای از آنها با مدیر و مهندس شدن، در

خدمت سرمایه داران قرار میگیرند و دستیار سرمایه داران میشوند . عده ای از آنها با درپیش گرفتن* با فرا گرفتن علم کمونیسم و اعتقاد به رهایی کارگران و زحمتکشان در راه آزادی آنها مبارزه میکنند و به روشنفکران طبقه کارگر تبدیل میشوند . پس کارگران نباید گول حرفهای مثل این را بخورند که : این روشنفکران کمونیست دایه مهربانتر از مادر برای کارگران و زحمتکشان میشوند . اصلاً این روشنفکران چکار به کارگران دارند . کارگران بدون کمک روشنفکران انقلابی و کمونیست نمی توانند به تنهایی آگاهی طبقاتی بدست آورند . کارگران ضمن اینکه باید مواظب باشند گول روشنفکران ضد کارگر را نخورند و مقاصد و هدفهای آنها را خوب بفهمند ، باید از روشنفکران انقلابی طرفدار آزادی طبقه کارگر کمک بگیرند ، آگاهی طبقاتی خودشان را بالا ببرند و فریب سرمایه داران و مزدوران آنها را که میخواهند روشنفکران انقلابی و کمونیست را ضد کارگر معرفی کنند ، نخورند .

* * *

اما نظرات کمونیست ها راجع به مسائل مختلف چیست ؟

در مورد استقلال ایران : بر علیه کمونیستها تبلیغ میکنند ، که آنها اجنبی پرست و مزدور بیگانه هستند و میخواهند ایران را وابسته به شوروی کنند . اینها

* جا افتاده : شغل آزاد ، دکتر شدن ، وکیل شدن ، دفتر باز کردن ، جزو طبقه متوسط میشوند . عده ای هم

همش دروغ است. کمونیستهای واقعی خواهان ایرانی مستقل و آزاد از قید و بند و اسارت تمام کشورهای امپریالیستی و سلطه طلب هستند. و با تمام نیرو بر علیه قدرتهای امپریالیستی مبارزه میکنند. میخواهد امپریالیسم آمریکا و انگلستان و آلمان و غیره باشد، می خواهد سو سیال امپریالیسم شوروی باشد. به همین دلیل است که کمونیستهای واقعی با دارودسته خائن حزب توده که نوکر و جاسوس شوروی است هم مبارزه میکنند. و با هر سازمان و نیروئی که بخواهد ایران را وابسته به بیگانه کند، مبارزه خواهند کرد. کمونیستهای واقعی، خواهان ایرانی مستقل هستند و تنها به نیروی کارگران و زحمتکشان متکی میباشند.

ما شوروی را یک کشور سوسیال - امپریالیستی میدانیم؛ بیشتر مردم فکر میکنند، شوروی یک کشور کمونیستی است، در حالی که اینطور نیست. ۶۲ سال پیش طبقه کارگر شوروی به رهبری لنین سرمایه داران را در شوروی سرنگون کرد. و حکومت کارگری را بنیان گذاشت. بعد از مرگ لنین به علت اشتباهات استالین و سایر رهبران حزب کمونیست شوروی، کارگران به مرور از مراکز قدرت و تصمیم گیری کنار گذاشته شدند. و مهندسان، مدیران و روشنفکران همه کاره گردیدند، ولی به علت اینکه استالین وعده ای دیگر از رهبران شوروی به طبقه کارگر

وفادار بودند، تا وقتی استالین بر سرکار بود، این زالوها به طور علنی فرصت قدرت نمایی نداشتند. بعد از مرگ استالین، این زالوها که قبلاً پایه های قدرت خودشان را محکم کرده بودند و کارگران را از همه مراکز قدرت بیرون کرده بودند، به طور رسمی حکومت را بدست گرفتند. دارودسته خروشچف و بعد از او برژنف سیاستهای امپریالیستی در رابطه با بعضی از کشورهای جهان در پیش گرفتند. هم اکنون حکومت کنندگان شوروی نه تنها سرکوب کننده و استثمارکننده کارگران و زحمتکشان شوروی هستند. بلکه به غارت خلقهای دیگر هم مانند ارتره و افغان-نستان مشغول است.*

در مورد زن و ازدواج: یکی از مهمترین مسائلی که سرمایه داران و استیاریان آنها برای بدنام کردن کمونیستها بکار میبرند، در مورد زن و ازدواج است. سرمایه داران و مزدوران آنها برای جلوگیری از نفوذ کمونیسم و کمونیستها بین مردم تبلیغ میکنند که: بله کمونیستها میخواهند زنان را اشتراکی کنند، فساد و فحشاء را در جامعه رواج دهند. بینیم ریشه این تبلیغات دروغین چیست؟ سرمایه داران به زن خودشان و به طور

* - در این صفحه نسبت به چاپ اول تغییراتی ایجاد شده است.

کلی به زن به عنوان يك کالا و يك وسیله تولید نگاه میکنند . آنها وقتی میشوند که کمونیستها میخواهند ابزار تولید را اشتراکی کنند فریاد بر می آورند و تبلیغ میکنند که کمونیستها زنان را هم اشتراکی میکنند . این سرمایه داران کیف و هرزه که خودشان به راههای مختلف فحشاء و فساد را در جامعه توسعه میدهند و برای کام جوی و به فساد کشاندن زنان و دختران کارگران و زحمتکشان به هر کاری دست میزنند و مراکز فساد و عشرتکده های رسمی و غیر رسمی بوجود میآورند ، در کاباره ها و پلاژها و مجالس بنم و عیاشی شان زنان یکدیگر را به طور اشتراکی مورد استفاده قرار میدهند . آنوقت بر علیه کمونیستها که میخواهند ریشه تمام این فساد و فحشاء را نابود کنند ، تبلیغ میکنند که کمونیستها میخواهند زنان را اشتراکی کنند . بعضی از عناصر مذهبی مرتجع هم که برای زن شخصیت انسانی قائل نیستند در این کارزار تبلیغاتی ، مزدور و دستیار سرمایه داران میشوند .

کمونیستها میخواهند ریشه های تمام این فسادها را نابود کنند ، کمونیستها میخواهند ریشه اصلی فقر را که باعث میشود زنان و دختران بی گناه به فاحشه گری و تن فروشی کشانده شوند نابود کنند . ریشه تمام فساد و فحشاء در جامعه سرمایه داری یکی خود نظام سرمایه داری و دیگری نابرابری زن و مرد و مجموعه شرایطی که در جامعه

بر روابط زن و مرد و ازدواج حاکم است، می باشد، که ریشه خود این مسئله باز به نظام سرمایه داری بر میگردد کمونیستها برای از بین بردن این ریشه ها و علتها مبارزه میکنند .

ریشه فاحشه شدن و تن فروشی بسیاری از زنان فاحشه در چیست ؟

ریشه بسیاری از اختلافات زنان و شوهران در چیست ؟ ریشه اینکه بسیاری از مردان زن دار، چشم و دلشان دنبال زنان دیگر است در چیست ؟ ریشه عدم علاقه و تمایل بسیاری از زنان شوهر دار به شوهران خود در چیست ؟ ریشه این مسائل در این است که زنان و مردان، هنگام ازدواج شناخت درستی از روحیات، خلق و خوی و طرز فکر یکدیگر ندارند و مجموعه شرایط جامعه هم طوری است که به زن و مرد امکان نمی دهد همسر خود را آزادانه و با شناخت کامل انتخاب کنند . بیشتر کارگران و زحمتکشان چه زن و چه مرد آزادی انتخاب همسر ندارند، و اکثراً خانواده های آنها هستند که برای آنها همسر انتخاب میکنند . دختران و پسران ما به يك سنی که رسیدند، مجبورند ازدواج کنند، بدون اینکه همسر خودشان را به طور کامل بشناسند . و البته تمام این مسائل باز به نظام سرمایه داری بر میگردد . آیا این گونه ازدواجها میتواند استحکامی داشته باشد ؟ آن

آزادی که کمونیستها خواهان آن هستند، آزادی کامل
 و فراهم بودن شرایطی است که زن و مرد بتوانند با
 شناخت کامل همسر خود را انتخاب کنند. کمونیستها
 معتقد به تك همسری هستند، يك زن برای يك مرد و يك
 مرد برای يك زن. منتها، این زن و شوهر باید
 آزادی انتخاب همسرشان را داشته باشند. در ازدواج
 بین کمونیستها، مسئله جنسی بخش کوچکی از مسئله
 است. در حالی که مسائلی مثل عقیده مشترك داشتن
 مبارز بودن، در خدمت کارگران و زحمتکشان بودن و توافق
 اخلاقی داشتن، مهمتر و اساسی تر است. به همین دلیل
 ازدواجی که بین کمونیستها صورت میگیرد، مستحکمترین
 ازدواجهاست. چرا که يك زن و مرد کمونیست، با آزادی
 کامل، با شناخت کامل از عقیده، مرام، خلق و خو و رفتار
 و کردار با هم ازدواج میکنند. در تمام دنیا و ایران
 کمونیستها هم به شکل زن و شوهر با هم زندگی میکنند.
 به يك نکته دیگر هم باید توجه کرد و آن اینست که به هر
 حال کمونیستها هم در جامعه سرمایه داری زندگی
 میکنند. فساد و هرزگی، محدودیتها، طرز تفکر فاسد
 سرمایه داری خواه نا خواه روی کمونیستها هم تأثیر
 میگذارد و ممکن است بعضی از کمونیستها هم لغزشها
 و اشتباهاتی بکنند، که باید با تمام قوا برای از بین بردن
 لغزشها و اشتباهات مبارزه کرد. همانطور که گفتیم

ریشه این تبلیغات عظیم ضد کمونیستی، برای بد نام کردن کمونیستهاست. برای آنست که جلو نفوذ کمونیسم و کمونیستها در میان کارگران و زحمتکشان گرفته شود. برای اینست که کارگران را نسبت به کمونیستها بدبین کند.



در مورد دین و مذهب: کمونیستها برای دین و مذهب ریشه تاریخی، اجتماعی و اقتصادی قائل اند. در دورانهای گذشته که علم پیشرفت نکرده بود و انسان قادر نبود علت پیدایش و زندگی پدیده های دنیا مثل انسان، حیوانات، دریا، زمین و آسمان خلاصه تمام چیزهایی که در جهان وجود داشت را بفهمد برای هر کدام و برای تمام پدیده ها منشاء و دلیل غیر علمی و مذهبی می آورد. اما با رشد علم و دانش انسان قادر شد علت پیدایش بسیاری از چیزها و قوانین حاکم بر آنها را بفهمد. کمونیستها برای هر چیزی دلیل علمی را قبول دارند. نه دلیل مذهبی را. یعنی آنچه که علم و دانش و قوانین حاکم بر آنها بگوید، قبول دارند. مثلاً دین و مذهب برای پیدایش انسان میگوید که نسل انسان از آدم و حوا است. آدم از خاک بوجود آمد. حوا هم پهلوی آدم بوجود آمد. اما علم و دانش ثابت کرده که نسل انسان از یک نوع میمون است.

که در چندین هزار سال قبل، تکامل پیدا کرده و بسه
انسان تبدیل شده است .

یا مثلاً در مورد وجود طبقات فقیر و غنی، استثمارگر
استثمار کننده، کارگر و سرمایه دار و نابرابری ها و ظلم
و ستم در جامعه، کمونیستها معتقدند، که ریشه این فقر
و ثروت، ظلم و ستم ها و بهره کشی ها را نباید در آسمانها
جستجو کرد . ریشه این مسائل در هیچ حکم الهی
و خدائی نیست، بلکه این نظام طبقاتی است که
باعث بوجود آمدن فقر و ثروت میگردد . این مجموعه نظام
سرمایه داری است که باعث میشود کارگران و زحمتکشان کار
کنند و زحمت بکشند ولی حاصل آنرا مشتی سرمایه دار و
مفتخور غارت کنند . برای از بین بردن این نابرابریها
و ظلم و ستمها و بهره کشی ها باید ریشه های زمینی آن
یعنی حکومت و قدرت سرمایه داران را نابود کرد . و بایک
انقلاب مسلحانه حکومت سرمایه داران را درهم کوبید
مذهب و دین به مردم تعلیم میدهد که این دنیا گذرا و
فانی است، زندگی اصلی در آن دنیا است که تمام نعمات
فراهم است . در نتیجه زحمتکشان را که در فقر و بدبختی
زندگی میکنند به فقیر بودن زجر کشیدن و تحمل ظلم
کردن عادت میدهد . در حالی که دین و مذهب بسه
سرمایه داران و مفت خوران و کسانی که از طریق دسترنج
کارگران زندگی میکنند توصیه میکند که سخاوت مند باشند

انصاف داشته باشند، کمتر خون کارگران و زحمتکشان را در شیشه کنند، به این ترتیب کمک میکند که سرمایه داران و ثروتمندان هرچه بیشتر بهشت را بروی زمین برای خودشان بوجود آورند و زندگی را برای توده های زحمت کش و ستم دیده به جهنم تبدیل سازند. در حالی که ما کمونیستها، می گوئیم کارگران و زحمتکشان باید کوشش کنند، با از بین بردن نظام ظالمانه طبقاتی و سرنگونی قدرت سرمایه داران، نابرابریها، فقر و ثروت و ظلم و ستم را در همین دنیا از بین ببرند. و بهشت را با برقراری يك جامعه بی طبقه و برابری واقعی در روی همین زمین بوجود آورند. اما نکته مهم اینست که کمونیستها معتقداند که مذهب باید يك امر خصوصی باشد و هر کس آزاد باشد تا اعتقادات مذهبی داشته باشد یا نداشته باشد، و هیچ کس هم حق توهین به اعتقادات مذهبی مردم را نباید داشته باشد. کمونیستها چه حالا که قدرت ندارند و چه وقتی که حکومت کارگران و زحمتکشان برقرار شود از نظر دولت، مذهب باید يك امر خصوصی باشد. و آزادی عقیده مذهبی و انجام مراسم مذهبی کاملاً تأمین شود. به همین دلیل کمونیستها به آزادی مذهب و انجام مراسم دینی بطور آزادانه معتقدند و به آن احترام میگذارند. در همین جا دروغ بودن تمام تهمت هایی که به کمونیستها نسبت میدهند، روشن

میشود . سرمایه داران و دستیاران و مزدوران آنها بر علیه کمونیستها تبلیغ میکنند، که اگر کمونیستها روی کار بیایند، مردم را به زور وادار میکنند دست از اعتقادات مذهبی خودشان بکشند که این کاملاً دروغ است. همانطور که گفتیم کمونیستها مذهب را يك امر خصوصی میدانند و معتقدند که هر کس آزاد است هر عقیده مذهبی داشته باشد. و هیچ کسی حق اذیت و آزار و توهین به اعتقادات مذهبی مردم را ندارد .

حال این سؤال پیش می آید آیا کمونیستها با روحانیون به عنوان مبلغان مذهبی مبارزه نخواهند کرد ؟ ما گفتیم از نظر کمونیستها مذهب يك امر خصوصی است و هر کس آزاد است هر مذهبی داشته باشد و هیچ کسی حق آزار و اذیت و توهین ندارد . ولی وقتی که يك روحانی به اسم بکائی، رئیس کمیته دپو جاده کرج، دستور سرکوبی کارگران را میدهد، از انتخاب نمایندگان واقعی کارگران جلوگیری میکند، کارگران مبارز را اخراج میکند ، یا وقتی يك روحانی دستور حمله به کارگران متحصن فلان کارخانه را میدهد، وقتی که آقای فلسفی در مسجد بروجرد مردم را تحریک به آتش زدن کتاب فروشی میکند و بعد از سخنرانی او عده ای او باش و مردم ناآگاه کتابد فروشی های بروجرد را به آتش میکشند، وقتی که روحانی مرتجعی بنام ملاحسنی رئیس کمیته ارومیه باعث برادر کشی

بین کردها و ترکها در نرده میشود و برای سرکوب
زحمتکشان خلق کرده، بین فئودالهای خونخوار اسلحه
پخش میکند، وقتی که یک روحانی در کارخانه از برابری
و برادری کارگر و کارفرما صحبت میکند و میگوید این
کمونیستها میخواهند بین برابری و برادری کارگر و سرمایه-
دار تفرقه بیندازند، وقتی که یک روحانی به عنوان مبلغ
دین به تحمیق و منحرف کردن طرز تفکر مردم مشغول
شود، خلاصه هنگامیکه روحانیون به دشمنی با کارگران و
زحمتکشان میپردازند، مسلماً کمونیستها با آنها
مبارزه خواهند کرد، رسوایشان خواهند ساخت و ماهیت
مزدورمنشی و ضد کارگری آنها را برملا خواهند نمود.
هر کسی که با کارگران و زحمتکشان دشمنی کند،
کمونیستها با او دشمن هستند و با او مبارزه میکنند.
میخواهد این دشمن در لباس ساواک باشد، میخواهد در
لباس مهندسی و سرپرست وزارت کار باشد، میخواهد در
لباس روحانی باشد، کمونیستها ضمن اینکه با روحانیون
مرتجع و مفت خور و جیره خوار سرمایه داران و امپریالیستها
که به دشمنی با کارگران و زحمتکشان میپردازند مبارزه
میکند، همچنین از مبارزات هر روحانی مرفعی که بر ضد
سرمایه داران و فئودالها و امپریالیستها مبارزه کند،
حمایت خواهند کرد.

در مورد معنویات: بر ضد کمونیستها تبلیغ میکنند که
"کمونیستها فقط به فکر مادیات هستند و معنویات را از
بین میبرند". در حالی که بر عکس کمونیستها میخواهند
معنویات واقعی و انسانی را به عالی ترین وجهی در
جامعه برقرار کنند.

کمونیستها میخواهند فقر و جهل و نا آگاهی را نابود
کنند. کمونیستها میخواهند با نابودی نظام سرمایه -
داری، کارگران و زحمتکشان را از قید و بند انواع
ستمهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی رها سازند.
کمونیستها میخواهند آن عواملی را که باعث میشود بعضی از
کارگران زحمتکش بد اخلاق و تندخو شده و با همکاران خود
سر کوچکترین مسئله دعوا راه بیندازند، از بین ببرند.
کمونیستها میخواهند ریشه آن شرایطی را که باعث
میشود کارگر بر سر کوچکترین مسئله ای با زن و بچه هایش
دعوا راه بیاندازد و آنها را زیر کتک بگیرد، نابود
کنند. کمونیستها میخواهند نظام سرمایه داری را که
برای کارگران و زحمتکشان هیچ شخصیت انسانی قائل
نیست و آنها را تبدیل به برده و پیچ و مهره و وسیله ای
برای سودبری مستی سرمایه دار مفت خور، میکند، نابود
سازند. کمونیستها میخواهند ریشه آن عواملی را که
باعث میشود دختران و زنان به علت فقر مالی به کیفیتترین
کارها کشیده شوند، نابود سازند. کمونیستها میخواهند

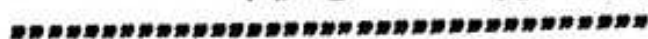
کارگران و زحمتکشان حکومت خودشان را برقرار کنند و
خودشان آقای خودشان باشند .

آیا این خواست کمونیستها معنویات را از بین میبرد؟
یا برعکس معنویات واقعی را در عالی ترین شکل انسانی
بوجود میآورد .

آن چه نیروئی است که کمونیستها را در میدانهای
اعدام، در برابر جوخه های مرگ، در زیر شدیدترین
شکجه ها و در کج زندانها، محکم و استوار نگاه میدارد؟
آن چه نیروئی است که يك کمونیست را وادار میکند از تمام
زندگی مادی خود چشم بپوشد و در راه رهایی کارگران
و زحمتکشان مبارزه کند، دستگیر و شکجه و شهید شود،
ولی از عقیده و ایمان خود را دست برندارد؟ آیا برای
پول و مادیات است؟ این نیرو، نیروی عشق به توده های
ستم دیده و زجر کشیده است. عشق و ایمان به پیروزی
نهایی کارگران و توده های زحمتکش است .

کدام کمونیست واقعی است که از شنیدن درد ورنج
يك کارگر اشک در چشمانش حلقه نزند و کینه او را نسبت
به سرمایه داران و امپریالیستها شعله ورنسازد؟ چرا
کمونیستها از پیروزی کارگران يك کارخانه یا کل کارگران
ایران و جهان به وجد و سرور می آیند و اشک شوق از
چشمانشان سرازیر میشود؟ آیا اینها همه اش برای پول
و مادیات است؟

کمیونست‌ها می‌خواهند جامعه را از شر ظلم و ستم
، استثمار و بهره‌کشی، فقر و محرومیت، فساد و فحشاء
، وحشیگری و دزدانه‌ی خوبی، رها سازند و معنویات واقعی
را برای کارگران و زحمتکشانشان ایجاد کنند .



کمیونست‌ها چگونه کار و زندگی میکنند ؟

همه ما به خوبی میدانیم که کارگران ایران آگاهی
سیاسی و طبقاتی کمی دارند و مبارزات آنان اغلب به
صورت پراکنده و بدون پیوستگی انجام می‌گیرد . و گفتیم که
یک کمیونست واقعی باید آگاهی و تمام امکانات خود را در
راه آگاه کردن و سازمان دادن مبارزات طبقه کارگر بگذارد .
اما یک کمیونست به تنهایی و اصولاً کمیونست‌ها تنها
— نمی‌توانند به این کار بپردازند . به این علت
چندین نفر از آنها با تشکیل یک گروه یا یک سازمان، به کار
آگاهی دادن و سازمان دادن کارگران و زحمتکشانشان
می‌پردازند . این سازمانها و گروهها تشکیلات کمیونستی
نامیده میشوند . در اثر تبلیغات ارتجاع بعضی از
سازمانها مثل جبهه دموکراتیک ملی و سازمان مجاهدین
خلق هم به کمیونستی بودن معروف شده‌اند که خودشان
هم از کمیونست بودن خودشان خبر ندارند . این
گونه سازمانها به هیچ وجه کمیونستی نیستند .
دسته دیگر سازمانها و گروههایی هستند که

خودشان ادعای کمونیست بودن میکنند، مثل حزب توده .
حزب توده خود ش ادعا میکند که يك سازمان کمونیستی
است و بیشتر مردم هم همینطور فکر میکنند، در حالی که
حزب توده يك سازمان خائن به طبقه کارگر و خلق ایران
است . حزب توده که جز خیانت به طبقه کارگر جز به
انحراف کشاندن مبارزات کارگران در گذشته و حال و جز
نوکری و جاسوسی شوروی کاری نکرده و نمی کند، به هیچ
وجه يك سازمان کمونیستی نیست بلکه سازمانی است ضد
کارگری که هدفش سوء استفاده از مبارزات کارگران و
توده ها برای به قدرت رسیدن خودش و تأمین منافع
اربابان شوروی اش میباشد . گردانندگان حزب توده را يك
عده مفت خور و جاسوس تشکیل میدهند که خودشان را
کمونیست و حزب خیانت کارشان را حزب طبقه کارگر
میدانند .

اما سازمانهای کمونیستی واقعی چگونه کار میکنند؟
در يك سازمان یا گروه کمونیستی، همیشه تقسیم کار وجود
دارد، بعضی ها به میان کارگران می روند، بعضی دیگر
به میان دهقانان و خلقهای ستم دیده فرستاده میشوند
، بعضی ها به ترویج مارکسیسم - لنینیسم در میان
روشنفکران و دانشجویان می پردازند، عده ای جزوه ها
را چاپ میکنند و خلاصه هر کسی در درون يك سازمان
و گروه وظیفه مشخصی را به عهده دارد . ممکن است این

کار خود ش به تنهایی کار مهمی نباشد، ولی وقتی اینکار در کنار کار سایر رفقایش قرار میگیرد و در خدمت مبارزه کارگران و زحمتکشان می باشد، اهمیت بسیاری پیدا میکند. کمونیست ها خرجشان از کجا تأمین میشود؟ در اینجا لازم است توضیح دهیم تمام صحبت های ما در مورد کمونیست های واقعی است. مثلاً وقتی در مورد این مسئله صحبت میکنیم که کمونیست ها خرجشان را از کجا تأمین میکنند، منظور کمونیست های واقعی هستند، نه سازمان های خائنی مثل حزب توده که جاسوس و دست نشانده شوروی هستند و سیل میلیون ها تومان پول از اربابان شوروی برای نوکریشان، سرازیر میشود. اول ما ببینیم خرج کمونیست های واقعی چیست؟ یکسری خرج های معمولی مثل خورد و خوراک و کرایه خانه و یکسری خرج های دیگر مثل خریدن کاغذ، ماشین پلی کپی و چاپ، مهمترین خرج ما همین خرج نشریات و اعلامیه ها است.

خیلی از کمونیست ها شغل و کاری دارند و در نتیجه حقوق و درآمدی خواهند داشت. کسانی که از نزدیک با کمونیست ها آشنا هستند میدانند که کمونیست ها چه از نظر وسایل زندگی و چه از نظر خورد و خوراک با حداقل درآمد زندگی میکنند. در نتیجه رفقای کسی که کار می کنند نه تنها خرج خودشان، بلکه خرج بعضی

از رفقایشان را هم تامین میکنند . علاوه بر این در جامعه کسانی هستند که هوادار کمونیستها هستند و اگر چه خودشان انقلابی حرفه ای نیستند ولی راه و آرم‌مان کمونیستها را قبول دارند و در حد توانائی خود به سازمانهای کمونیستی کمک مالی میکنند . فعلاً این افراد بیشتر از روشنفکران ، دانشجویان ، مهندسان و کارمندان هستند ، که البته تعدادشان هم زیاد نیست .

از طرف دیگر کمونیستها بیشتر نشریات خودشان را می فروشند . یعنی خیلی از نشریات کمونیستها خرج خودشان را در می آورند . حتی ما بعضی از نشریات خودمان را گرانتر از قیمتی که برایمان تمام میشود میفروشیم .

اعلامیه هارانی توانیم بفروشیم . همچنین به علت ناآگاهی کارگران و بی علائقی آنها و همینطور تبلیغات ضد کمونیستی که شده بیشتر کارگران رغبتی به خریدن جزوات کمونیستی ندارند . در نتیجه بعضی از جزوه‌ها و نوشته هایمان را که حتماً باید بین کارگران پخش کنیم ، مجانی بین کارگران پخش میکنیم . خلاصه کمونیستهای واقعی همیشه از نظر مالی در مضیقه هستند و همین مسئله خیلی جاها دست و پای ما را می بندد ولی ما مطمئن هستیم که در آینده نزدیک که بیشتر کارگران به ضرورت آگاه شدن ، به حقانیت و درستی حرفها و راه و

آرمان کمونیستها پی بردند، نه تنها با میل و علاقه
نشریات کمونیستی را خواهند خرید، بلکه به راهبای
مختلف به کمونیستها کمک مالی هم خواهند کرد به امید
آرروز .



بعد از همه این حرفها ممکن است این سؤال مطرح
شود که خوب بعد از انقلاب این رژیم هم کـــه از
برابری و برادری و عدالت و از بین بردن استثمار، صحبت
میکند، از پیروزی مستضعفان بر مستکبرین حرف میزند
پس چرا شما با آن مخالف هستید؟ و با زهم با آن
مبارزه میکنید؟ جواب ما روشن است اینها همشیک
مشت حرف پوچ و تو خالی و فریب کارانه بیشتر نیست
اینها حرفهای قشنگی است برای فریب توده های ناآگاه
ما در همین مدت ۷ ماه، رژیم حاکم جدید، نشان داد که
جز تأمین منافع سرمایه داران، جز سرکوب خواسته ها
و مبارزات کارگران و زحمتکشان هیچ هدف و مقصودی
ندارند . تا کارگران خواستند ۴۰ ساعت کار را برقرار
کنند، دولت بخش نامه پشت بخش نامه صادر کرد که باید
۴۸ ساعت کار کرد . تا کارگران خواستند بر امور مدیریت
و تولید و فروش، کنترل و نظارت داشته باشند، دولت
بخش نامه کرد که کارگران و شوراهای کارخانه ها، حق
داخلت در امور مدیریت و تولید را ندارند . برای

سرکوب مبارزات کارگران، کمیته های مسلح و نیروهای ویژه را مستقر ساختند. هم اکنون اخراج و دستگیری کارگران مبارز و آگاه را شروع کرده اند. خواسته های دهقانان و زحمتکشانشان در گنبد و کردستان و سایر مناطق با گلوله و خمپاره جواب داده شد. فرماندهان ارتش، دوباره به کار گرفته شدند و سیستم اطاعت کورکورانه بر ارتش دوباره حاکم گردید. هیچ میدانید که تیمسار شاکر رئیس ستاد ارتش قبلاً عضو دفتر ویژه اطلاعاتی ارتش بوده است؟ یعنی از نزدیکان شاه بحساب می آمد و حتی بعد از انقلاب بازنشسته شده و سپس دو ماه در بازداشت دادستانی انقلاب در زندان بوده است و حال، رئیس ستاد ارتش شده! دستگاه جهنمی ساواک را دوباره سرور سامان داده اند. برای قتل عام و کشتار ۴ میلیون خلق کرد در کردستان به آنجا لشکر کشی کرده اند. مبارزات حق طلبانه دهقانان را سرکوب کرده و به خواسته های آنان توجهی نمی کنند. تبلیغات زهر آگین ضد کمونیستی دشمنی مردم را از سرمایه داران و امپریالیستها به سمت کمونیستها منحرف کرده و برای قتل عام کمونیستها تدارک دیده اند. دوستان کارگر: وقتی در یک جامعه سرمایه داران حاکم باشند، دولت هم دولت سرمایه داری است. ما نباید فکر کنیم که چون بعضی از کارخانه ها ملی شده اند،

پس استثمار و بهره‌کشی از بین رفته، در رژیم شاه خائن هم بعضی از صنایع و کارخانه‌ها مثل نفت و گاز، ذوب آهن و خیلی کارخانه‌های دیگری بود. تغییر مالکیت از شخصی به دولتی در ماهیت ظالمانه روابط سرمایه‌داری تغییری بوجود نمی‌آورد. برای کارگران ایران ناسیونال چه فرقی میکند که حاصل دسترنجشان را یک عده سرمایه‌دار مثل خیامی غارت کنند یا یک دولت سرمایه‌داری که تحت نفوذ روحانیون است.

در یک کشور سرمایه‌داری مثل ایران، دولت از یکطرف وسیله و چماق سرکوب کارگران و زحمتکشان است از طرف دیگر خود دولت با صاحب بودن بسیاری از صنایع و کارخانه‌ها، بزرگترین سرمایه‌دار کشور است. تغییر حکومت از سلطنتی به جمهوری اسلامی تغییری در اساس روابط ظالمانه و ستمگرا^۱ سرمایه‌داری بوجود نیاورده و نمی‌توانست هم بیاورد. پس کمونیست‌ها که دشمن نظام سرمایه‌داری هستند و می‌خواهند حکومت کارگری برقرار شود، نمی‌توانند مبارزه نکنند. تا وقتی نظام سرمایه‌داری باقی است، کمونیست‌ها و کارگران و سایر زحمتکشان با آن مبارزه خواهند کرد.

اما علت این همه تبلیغات ضد کمونیستی چیست؟ با این صحبت‌هایی که کردیم مشخص می‌گردد که خواسته‌ها و مبارزات کمونیست‌ها منافع چه کسانی را به خطر می‌اندازد.

خواسته ها و مبارزات کمونیستها منافع سرمایه داران و بازاریان ثروتمند و دولت سرمایه داری امپریالیستها ی غارت گر خارجی و مشتی روحانی و آخوندهای مفت خور را که بعد از انقلاب به ریاست ووزارت و مقام رسیده اند به خطر می اندازد .

مبارزات کمونیستها در جهت پایان دادن به بهره کشی مشتی سرمایه دار خونخوار است .
مبارزات کمونیستها در جهت پایان دادن به چپاول گری وگران فروشی مشتی دلال و تاجر ثروتمند است که بعد از انقلاب اجناس را با قیمت های سرسام آوری به فروش میرسانند .

مبارزات کمونیستها، در جهت پایان دادن به مفت خوری مشتی روحانی و آخوند مرتجع است که در سایه انقلاب مردم به قدرت رسیده اند و شهوت پول و جاه و مقام، چشم و دلشان را کور کرده و با تمام امکانات برضد کمونیستها تبلیغ میکنند .

مبارزات و تبلیغات کمونیستها باعث میشود که کارگران، آگاه و متحد شوند به حقوق واقعیشان پی ببرند دشمنان - نشان را بشناسند و راه پایان دادن به نظام ظالمانه و ضد بشری سرمایه داری را پیدا کنند .

به همین دلیل است که سرمایه داران و دولت سرمایه داری، امپریالیستها وعده ای روحانی و آخوند

مفت خورده دست در دست هم به کمک جیره خوارانشان بر علیه کمونیستها تبلیغ میکنند . به همین دلیل است که آنان باتعام امکانات سعی میکنند مردم را نسبت به کمونیستها بدبین کنند . و حتی آنها را به دشمنی با کمونیسم و کمونیستها بکشانند . از نظر سرمایه داران و مفت خوران خواندن يك اعلامیه و جزوه کمونیستی از این نظر برای کارگران مضر است که کارگران را آگاه میکند و دست سرمایه داران و مفت خوران و دولت حامی آنها را رومی کند و منافعشان را به خطر می اندازد . به همین دلیل باید کاری کند که کارگران و سایر رنجبران اعلامیه ها و نوشته های کمونیستی را نخوانند . به کمونیستها بدبین باشند با کمونیستها دشمن شوند . در همین مدت چند ماه میبینیم که به علت ناآگاهی کارگران و توده های مردم تا حدودی به مقاصد کثیف و پلیدشان رسیده اند . اما این زیاد طول نمی کشد و بالاخره کارگران در صورت فعالیت فداکارانه و صادقانه کمونیست ها و نیروهای آگاه دوست و دشمن خود را تشخیص خواهند داد . اما کارگران چگونه قضاوت میکنند ؟

مبنای قضاوت طبقه کارگر در مورد يك شخص يك سازمان يك دولت باید بر اساس عمل آن شخص و سازمان و دولت باشد . کارگران باید با دقت اعمال و گفتار سازمانهای سیاسی را بررسی کنند . نوشته های

آنها را بخوانند، اعمال آنها را تجزیه و تحلیل کنند. بینند فلان حرف و فلان عمل به نفع کارگران و زحمتکشان است یا به ضرر آنها .

مبنای قضاوت کارگران در مورد کمونیست‌ها هم باید همین‌طور باشد. کارگران باید کتابها، جزوات، اعلامیه‌های کمونیستی را بخوانند، دقت کنند بینند صحبت‌ها و نوشته‌های آنها به نفع چه طبقه‌ایست. مبارزات و فعالیت‌های سازمانهای کمونیستی را بررسی کنند و دقت کنند که این مبارزات به نفع چه طبقه‌ایست و آیا هر که خود را کمونیست میدانند واقعاً چنین است یا نه ؟

الان مبنای قضاوت و شناخت بیشتر کارگران حرفه‌ها و نوشته‌های کسانی است که با کمونیسم و کمونیست‌ها مخالفند و این درست‌نیست . کارگران باید از عمل و حرفه‌های خود کمونیست‌ها، در مورد آنان قضاوت کنند، نه دشمنانشان . این تنها راه آگاهی واقعی کارگران ما و شناخت درست آنان می‌باشد . به امید روزی که کارگران در رابطه نزدیک با کمونیست‌ها از اعمال و سخنان آنان آگاه شوند .

پیش‌به‌سوی شناخت کمونیسم و مارکسیسم - لنینیسم
هرچه مستحکم‌تر باد پیوند کمونیست‌های واقعی با طبقه

کارگر

هرچه پرتوان‌تر باد اتحاد و همبستگی کارگران و زحمتکشان

بهاء ۲۵ ریال

دیجیتال کننده : نینا پویان